

## اعتبار سنجی روایات فتنه بودن زنان

(مصادر، اسناد و مفهوم)

علی راد<sup>۱</sup>

زینب مجلسی راد<sup>۲</sup>

### چکیده

حداقل نه گزاره در مسأله فتنه بودن زنان در جوامع حدیثی شیعه و سنی گزارش شده است. این احادیث، به دو گونه کلی، انتساب صریح فتنه به زنان و همنشینی با دیگر فتنه‌ها قابل تقسیم هستند. تلقی به قبول این متون به عنوان روایت و گزارش آنها در جوامع حدیثی مشهور فریقین، نشان‌گر یک باور تاریخی به محتوای این روایات در فرهنگ و اندیشه اسلامی است که تأثیرات جدی در نوع نگرش به شخصیت و کارآمدی زن از نگاه اسلامی داشته و در دوره معاصر نزد مستشرقان و فیمینیسیم، شبهاتی چون شوم بودن و تحقیر زن را دامن زده است. هر چند از منظر امامیه انتساب قطعی همه این روایات به معصوم، با توجه به نتایج ارزیابی سندی و مبانی کلامی در حجیت سنت، با موانعی روبه‌رو است، اما دست‌کم صدور برخی از آنها قوت دارد. بر پایه تاریخ‌گذاری اسنادی، زمان شناسی صدور اکثر این روایات به قرن اول هجری و به طور خاص، دوره بعثت رسول خدا ﷺ بر می‌گردد. شاخص گفتمان این دوره، گذار از فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی بوده و شارع اسلامی با رویکردی اصلاحی و احیایی به ترمیم و تصحیح شخصیت زن و تعدیل مناسبات مردان با زنان پرداخته است. این پژوهش با روش تحلیلی - انتقادی روایات فتنه بودن زنان را از منظر فراوانی، تاریخ‌گذاری، گفتمان‌شناسی صدور، اعتبار سنجی مصادر و اسناد، نقد دلالتی، تعارض با دیگر روایات به بوته سنجش سپرده است. دست‌آورد این پژوهش آن است که

۱. استادیار دانشگاه تهران - پردیس فارابی (ali.rad@ut.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران - پردیس فارابی.

فتنه دانستن زنان در روایات با تحقیر یا شوم بودن شخصیت زن مساوی نیست و احادیث فقط به حساسیت تعامل با زنان و ضریب تأثیرپذیری مردان از آنان اشاره دارند.

کلید واژه‌ها؛ فتنه زنان، حب النساء، اخلاق جنسی، جنسیت و حدیث، نقد حدیث.

## مقدمه

با وجود مستندات روایی کاستی خرد زنان، فتنه بودن زنان، کثرت حضور زنان در لشکر ابلیس و... در جوامع حدیثی فریقین، نمی‌توان اصل این نگره و نصوص آن را در میراث اسلامی نفی کرد. فارغ از پذیرش این روایات در رویکرد سنتی، در دوره معاصر با پدیداری جریان استشراق و فمینیسم در خارج و داخل جهان اسلام، شبهاتی در باره منزلت زن در اسلام مطرح شد که در ورای آنها تلاش می‌شد چهره زن را در اسلام تیره و تار ترسیم و پنداره تحقیر و شوم بودن زن در روایات اسلامی تقویت گردد. هر چند برخی از محققان مسلمان، ضمن تبیین شخصیت اصیل زن در نگاه اسلام، نیم‌نگاهی به نقد این نگره‌ها نیز داشته<sup>۳</sup> و برخی نیز رویکرد سنتی در تبیین گزاره‌های اسلامی مرتبط به شخصیت زن را به نقد کشانده‌اند.<sup>۴</sup> با این حال، گزاره‌های روایی این مسأله به نحو شایسته و بایسته به بوته نقد سپرده نشده است. مسأله اصلی این پژوهش بررسی انتقادی روایاتی است که زنان را از یک سو فتنه و از سوی دیگر، دوست داشتن آنان را امری شایسته معرفی می‌نماید. با وجود تلاش‌های عالمان مسلمان در لایه لای آثار اسلامی، تا کنون پژوهشی مستقل نشر نیافته است که با رویکرد تطبیقی و انتقادی سند، مصادر و دلالت روایات شیعه و اهل سنت را ارزیابی نماید و تعارض‌نمایی این گزاره‌ها را با احادیث تکریم زنان حل نموده باشد. پژوهش حاضر با استفاده از قواعد و روش‌های دانش نقد الحدیث، روایات فتنه بودن زنان را در محورهای ذیل به بوته سنجش نشانده است.

## ۱. فراوانی و گونه‌های روایی

در میراث حدیثی نشر یافته فریقین، حدود ده روایت در موضوع فتنه بودن زنان وجود

۳. رک: فقه المرأة المسائل الحرجة للمرأة؛ صورت بندی مطالعات زنان در جهان اسلام؛ زن در آئینه جلال و جمال؛ شخصیت و حقوق زن در اسلام؛ زنان و سه پرسش اساسی.

۴. رک: تحریر المرأة فی عهد الرسالة؛ دوائر الخوف قراءة فی خطاب المرأة؛ المرأة المسلمة بین تحریر القرآن و تقييد الفقهاء.

دارد؛ چهار حدیث در مصادر روایی شیعه از معصومان و شش حدیث در منابع حدیثی اهل سنت از رسول خدا ﷺ و صحابه، بر مبنای حجیت قول صحابه از نگاه اهل سنت، گزارش شده است. این روایات در مجموع، به دو گونه کلی قابل تقسیم هستند: گونه نخست، روایاتی هستند که به صراحت فتنه بودن را به زنان نسبت داده‌اند؛ گونه دوم، دوستی زنان را چالشی فراروی تعالی مردان و در شمار فتنه‌های دیگری چون دوست داشتن دنیا، ریاست، کفر و... بیان کرده‌اند که از هم نشینی با دیگر فتنه‌ها، فتنه بودن زن نیز از این روایات قابل استنباط است. روش گردآوری روایات مذکور جست و جوی از طریق کلید واژه فتنه، ترکیب اضافی «فتنه زنان» و روش مفهومی بوده که در محدوده منابع روایی موجود و نشر یافته بر اساس سیر تاریخی مصادر روایی فریقین انجام شده است.<sup>۵</sup>

۱. رسول خدا ﷺ:

زمانه‌ای را ترک می‌کنم که در آن فتنه‌ای زیان‌آورتر از زنان برای مردان نیست.<sup>۶</sup>

۲. امام علی علیه السلام:

فتنه سه نوع است: (اولین آن) دوستی زنان است که شمشیر شیطان است...<sup>۷</sup>

۳. امام صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند:

اموری که با آنها برای اولین بار معصیت خداوند انجام شد، شش چیز است: دوستی دنیا، دوستی ریاست، دوستی غذا، دوستی زنان، دوستی خواب و

۵. متن عربی و مصادر روایات بر اساس ترتیب تاریخی در پانوشته‌ها به تفصیل گزارش شده است.

۶. این روایت در میان روایات شیعه و اهل سنت مشترک است: عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فِتْنَةٌ أَضْرَّ عَلَى الرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۳۰۶، ح ۱۶۷۹۲؛ جامع‌أحادیث الشیعة، ص ۵۴۴، ح ۳۷۲۱۷؛ المصنف (الصنعانی)، ج ۱۱، ص ۳۰۵، ح ۲۰۶۰۸؛ مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۲۴۹ و ۲۵۰، ح ۵۴۶؛ المصنف، ابن ابی شیبیه، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۸ و ج ۸، ص ۶۱۸، ح ۱۷۴؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۲۴۹، ح ۲۱۸۸۸؛ صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۸۳۳، ح ۴۸۰۸؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۵، ح ۲۷۴۰؛ جامع الترمذی، ص ۶۲۷، ح ۲۷۸۰؛ السنن الکبری (النسائی)، ج ۵، ص ۳۶۴، ح ۹۱۵۳؛ مسند أبی یعلی، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱۲۹۴؛ الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، ص ۱۵۸۷، ح ۵۹۶۷). در برخی از منابع متن «ما أخاف علی نفسی فتنه هی أشد علی من النساء» از علی بن زید نیز گزارش شده است که در اواخر عمر خود، وقتی بینایی یک چشمش را از دست داده بود، این سخن را گفته است (رک: غریب الحدیث، ابن قتیبه دینوری، ج ۲، ص ۲۳۱).

۷. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: «الْفِتْنَةُ ثَلَاثٌ حُبُّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ...» (الخصال، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۹۱؛ جامع الأخبار، ص ۱۵۳).

دوستی آسایش.<sup>۸</sup>

۴. امام سجاده علیه السلام:

... از جمله نافرمانی‌های خداوند دوستی زنان و دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی استراحت و دوستی سخن گفتن و دوستی سروری و ثروت است که از حسد منشعب شد. همه این هفت خصلت در دوستی دنیا گرد آمده‌اند...<sup>۹</sup>

۵. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن خطبه‌ای طولانی فرمود:

... دنیا خرم و شیرین است. خداوند شما را در آن خلیفه قرار داده و می‌نگرد چگونه عمل می‌کنید. هان! از دنیا بترسید، از زن‌ها نیز بترسید.<sup>۱۰</sup>

۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

هیچ روزی نیست که در آن دو فرشته ندا ندهند: وای بر مردان از زنان و وای بر زنان از مردان!<sup>۱۱</sup>

۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خداوندا، از فتنه زنان به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر به تو پناه می‌جویم.<sup>۱۲</sup>

۸. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ أَوَّلَ مَا عَصَى اللَّهُ بِهِ سَيِّئٌ: حُبُّ الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الطَّعَامِ، وَحُبُّ النِّسَاءِ، وَحُبُّ النَّوْمِ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ» (المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۴۵۹؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۳؛ النخاس، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۲۷). روایت نبوی: «إِنِّي لَأُرَى الْفِتْنَ خَلَالَ بَيْوتِكُمْ كَمَا وَقَعَ الْقَطْرُ، دَرُوجَهُ شَهْوَتِ الْغَرَابِيِّ وَ لَذَتِ طَلْبِي هُمْ مَضْمُونُ أَيْنِ رَوَايَتِ مِي تَوَانِدُ بَاشِدُ كِهْ يَكِي اَزْ وَجُوهُ اَفْرَاطُ دَرْ شَهْوَتِ هِمَانِ زَنِّ بَارِگِي اَسْتِ (رک: غریب الحدیث، حربی، ج ۳، ص ۹۳۰).

۹. ... فَتَسَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ حُبُّ النِّسَاءِ، وَحُبُّ الدُّنْيَا، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَحُبُّ الرَّاحَةِ، وَحُبُّ الْكَلَامِ، وَحُبُّ الْعُلُوِّ، وَالتَّزْوُّة، فَصَرَفَ سَبْعَ خِصَالٍ، فَأَجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا...» (الكافي، ج ۲، ص ۱۳۰ و ۱۳۱، ح ۱۱ و ص ۳۱۶، ح ۸).

۱۰. أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «... إِنْ الدُّنْيَا حَضْرَةٌ حَلْوَةٌ، وَإِنْ اللَّهُ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا، فَنَظَرُ كَيْفٍ تَعْمَلُونَ، أَلَا فَاتَقُوا الدُّنْيَا وَاتَّقُوا النِّسَاءَ» (المصنف، الصنعاني، ج ۱۱، ص ۳۴۶، ح ۲۰۷۲۰؛ مسند الحميدي، ج ۲، ص ۳۳۱؛ مسند ابن الجعد، ص ۲۳۶ و ۲۳۷؛ كتاب فيه معنى الزهد والمقالات وصفة الزاهدین، ص ۸۵، ح ۷۷؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۴، ح ۱۱۱۴۹؛ صحيح مسلم، ص ۱۰۹۶، ح ۲۷۴۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۳۵۷، ح ۴۰۰۰؛ جامع الترمذی، ص ۴۰۵، ح ۲۱۹۱؛ السنن الكبرى (النسائي)، ج ۵، ص ۴۰۰، ح ۹۲۶۹؛ مسند أبي يعلى، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۲۲۹؛ صحيح ابن خزيمة، ج ۳، ص ۹۹، ح ۱۶۹۹؛ الإحسان فی تقریب صحيح ابن حبان، ص ۹۰۱، ح ۳۲۱۵).

۱۱. أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَ مَلَكَانِ يَنَادِيَانِ: وَيْلٌ لِلرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ! وَيْلٌ لِلنِّسَاءِ مِنَ الرِّجَالِ!» (سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۳۵۷، ح ۳۹۹۹).

۱۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النِّسَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۵۶).

۸. کفرپیشگی امت‌های قبل از ناحیه زن‌ها بود، کفر امت‌های بعد نیز از ناحیه زن خواهد بود.<sup>۱۳</sup>

۹. معاذ بن جبل گوید:

شما با فتنه آشکار مواجه شدید و در آن استقامت نشان دادید و به زودی به فتنه پنهان مبتلا خواهید شد. و من از فتنه زنان هنگامی که با طلا خود را بیاریند و لباس شام بپوشند، بر شما بیمناکم. در این صورت، ثروتمند را به زحمت انداخته و فقیر ناتوان را به سختی تحمل ناپذیر اندازند.<sup>۱۴</sup>

تاریخ‌گذاری اسناد روایات مذکور، نشان می‌دهد که بیشترین آنها مربوط به گفتمان صدر اسلام است؛ پنج روایت در عهد نبوی ﷺ صادر شده و در صورت الحاق روایات امام علی علیه السلام، امام صادق علیه السلام و صحابه به آنها بیشتر صدور روایات حداکثر در قرن اول هجری خواهد بود. نظر به مبنای عدم صدور روایات در خلأ، گفتمان فرهنگی و تاریخی صدر اسلام در صدور این روایات تأثیرگذار بوده است. از این رو، در تحلیل آنها باید قاعده تاریخی‌نگری را مدنظر داشت؛ دوره‌ای که زن در حال گذار از فرهنگ جاهلی به اسلامی بوده و رگه‌هایی از گفتمان جاهلی در باره جایگاه و کارآمدی زنان هم‌چنان در ذهن و جان عرب‌ها حضور داشته است. ورود اصلاحی و احیایی نصوص روایی در تصحیح این گفتمان کاملاً منطقی و معنادار بوده و ضروری است شرایط فرهنگی عرب جاهلی در نگرش به زن در تحلیل این روایات لحاظ گردد.

## ۲. مصادر؛ سیر تاریخی و اعتبار

اعتبار داده‌های نقلی پیش از صحت اسناد و راویان، تابع اعتبار مصادر است که در آن نقل شده‌اند؛ چه بسا روایاتی با اسنادی معتبر در کتابی گزارش شده باشند که از نظر زمان تألیف، مؤلف و... مجهول بوده یا روایات آن فاقد پیشینه روایی در مصادر کهن‌تر

ح ۱۵۶۱؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۳۶۸۷.

۱۳. حدثنا أبو معاوية، عن ليث، عن طاوس قال: «لم يكن كفر من مضى إلا من قبل النساء، وهو كائن كفر من بقي من

قبل النساء» (المصنف، ابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۹؛ الدر المنثور في تفسير المأثور، ج ۴، ص ۱۸۰).

۱۴. معاذ قال: «إنكم ابتليتم بفتنة الضراء فصبتم، وسوف تبتلون بفتنة السراء، وإن أخوف ما أن تخوف عليكم فتنة

النساء إذا تسورن الذهب، ولبسن ريط الشام، فأتعبن الغنى، وكلفن الفقير ما لا يجد» (المصنف، ابن أبي شيبة،

ج ۸، ص ۶۱۸، ح ۱۷۳؛ مسند أبي يعلى، ج ۲، ص ۱۱۵، ح ۶۷۰).

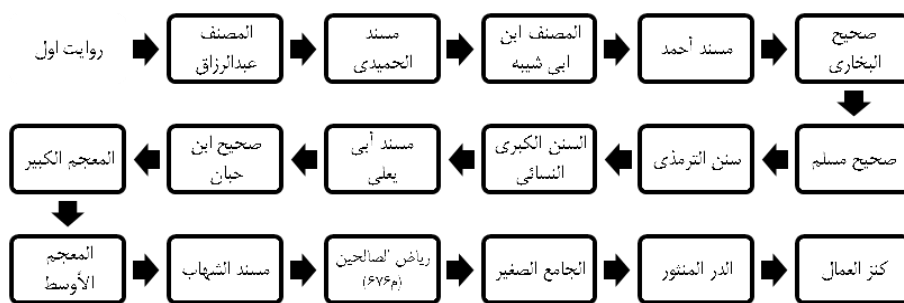
باشند. از این رو، اعتبار مصادر متأثر از معیارهایی چون اشتهار و صحت انتساب به نویسنده، جایگاه علمی نویسنده، توالی تاریخی منقولات، ارجاع دهی به مصادر پیشین و ... است که ضروری است قبل از ارزیابی اسناد بدان توجه داشت. با توجه معیارهای یاد شده، مصادر روایات فتنه بودن زنان به دو گونه معتبر و ضعیف قابل تقسیم است. پیش از ورود به بحث لازم است به این نکته اشاره گردد که نمودارهای رسم شده در ذیل احادیث تنها به منظور نشان دادن هر چه بهتر سیر تاریخی نقل روایت بوده و بیان کننده آن نیست که منابع پسین از پیشین روایت را اخذ و نقل نموده اند.

### ۲-۱. مصادر معتبر

بر پایه اعتبارسنجی به عمل آمده، روایاتی که از اعتبار حداقلی لازم برخوردار هستند، عبارت اند از:

#### روایت اول

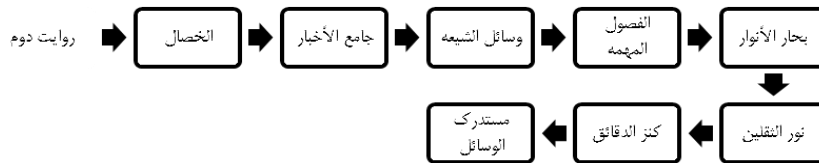
این روایت، هر چند مشترک میان فریقین است، لکن نسخه گزارش شده آن در منابع اهل سنت، به دلیل نقل در منابع کهن حدیثی گزارش شده در صحیح مسلم و صحیح البخاری، بر اساس ملاکات صحت نزد مؤلفان آن دو دیگر کتب حدیثی معتبر اهل سنت، از اعتبار لازم برخوردار است. وجه ضعف مصدر روایت شیعی، در بخش مصادر ضعیف، در ادامه خواهد آمد. سیر تاریخی مصادر این روایت در شکل شماره یک آمده است:



شکل ۱

### روایت دوم

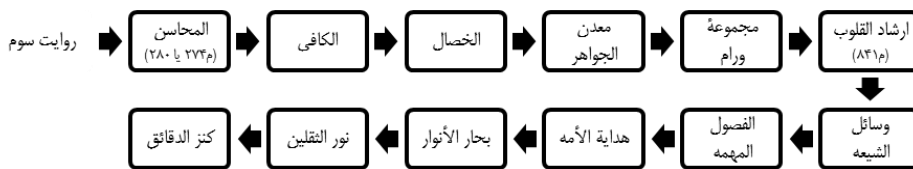
این روایت، هر چند به لحاظ تاریخی، نخستین بار توسط شیخ صدوق گزارش شده است، لکن با توجه شخصیت علمی صدوق نزد محدثان امامیه، از حداقل اعتبار لازم برخوردار است. بر اساس شکل دوم، بعد از صدوق، دیگر صاحبان جوامع حدیثی شیعه چون حر عاملی، مجلسی، حویزی نیز این روایت را در جوامع روایی خود گزارش کرده اند که هر یک در دانش حدیث از شمار محدثان برجسته امامیه به شمار می آیند و گزارش آنان می تواند به معنای پذیرش روایت باشد.



شکل ۲

### روایت سوم

بر اساس سیر تاریخی مصادر روایت شماره سه (شکل ۳)، این روایت از اعتبار بسیار خوبی برخوردار است. کهن ترین مصدر این روایت /المحاسن احمد بن محمد بن خالد برقی است که جزء اصحاب ثقات رجال امام جواد و امام هادی علیهما السلام است. کتاب وی مقبول بزرگانی چون شیخ طوسی، نجاشی و ابن غضایری نیز بوده است.<sup>۱۵</sup> اعتماد شیخ کلینی بر نقل این روایت نیز سبب افزایش اعتبار مصدری آن می گردد؛ زیرا بنا بر مقدمه /الکافی و منزلت علمی کلینی، این کتاب از جایگاه معتبری نزد امامیه برخوردار است. گزارش این روایت در سه کتاب شیخ حر عاملی نشان دهنده اعتبار آن نزد ایشان نیز هست. محدثان صاحب نظر دیگری چون مجلسی، حویزی و مشهدی نیز به این روایت اعتماد داشته و آن را در آثار خود تلقی به قبول صدور از معصوم کرده اند.

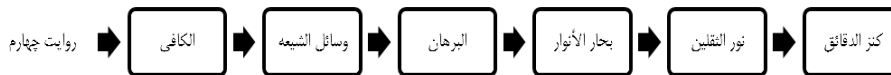


۱۵. أعيان الشيعة، ج ۳، ص ۱۰۷.

شکل ۳

### روایت چهارم

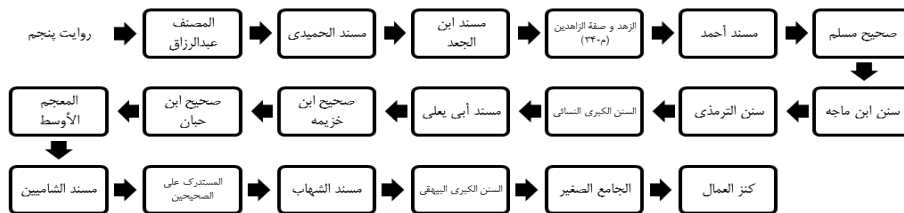
این روایت به دلیل گزارش در *الكافی* کلینی، از کتب اربعه حدیثی شیعه و دارا بودن ملاک‌های اعتبار روایت سوم، از اعتبار مصدري مناسبی برخوردار است.



شکل ۴

### روایت پنجم

توالی تاریخی، قدمت و اشتهار مصادر روایت پنجم سبب اعتبار آن نزد اهل سنت شده و بیشتر صاحبان مشهور جوامع حدیثی اهل سنت آن را گزارش کرده‌اند:



شکل ۵

### روایت ششم

روایت ششم، هر چند تنها در سنن ابن ماجه گزارش شده است، لکن نظریه اعتبار این کتاب می‌توان آن را معتبر تلقی کرد؛ هر چند افراد ابن ماجه در نقل این حدیث و عدم گزارش آن در دیگر جوامع روایی اهل سنت از میزان درجه اعتبار آن می‌کاهد.

### روایت هفتم

این روایت تنها در دو مصدر *المصنف ابن أبی شیبه* و *الدر المنثور* سیوطی گزارش شده است؛ هر چند *المصنف* جزء منابع قدیمی و معتبر روایی اهل سنت تلقی می‌شود و *الدر المنثور* نیز از اعتبار نسبی برخوردار است، لکن عدم گزارش این روایت در منابع حدیثی بعد از ابن أبی شیبه تا سیوطی از میزان اعتبار آن می‌کاهد؛ زیرا فاصله تاریخی تدوین این دو منبع بسیار زیاد بوده و عدم نقل آن در منابع متقدم بر سیوطی می‌تواند به معنای عدم



اعتبار نیز تلقی گردد.

### روایت نهم

روایت شماره ۹ در منابع معتبر اهل سنت گزارش شده و دارای اعتبار لازم است.



شکل ۶

### ۲-۲. مصادر ضعیف

همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید، روایت شماره یک - که مشترک میان فریقین است - با وجود اعتبار مصادر آن نزد اهل سنت، در شیعه فاقد اعتبار مصدري است؛ زیرا بر اساس جست و جوی انجام شده تنها در دو منبع مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشیعه گزارش شده است که هر دو کتاب از منابع روایی متأخر یا معاصر شیعی به شمار می‌آیند؛ هر چند صاحبان آن دو از تخصص لازم در حدیث برخوردار بودند، لکن روایات آنها فقط گردآوری از منابع پیشین بوده و جزء منابع اصلی روایی امامیه به شمار نمی‌آیند. از این رو، به دلیل تأخر زمانی نقل، عدم اشاره به منبع اصلی نقل این روایت و عدم گزارش آن در منابع حدیثی پیشین شیعه، مصدر آن دارای اعتبار حداقلی نیست؛ البته نظر به اعتبار مصدري آن نزد اهل سنت، به نظر می‌آید که این روایت از طریق مصادر سنی به این دو منبع راه پیدا کرده است.

روایت شماره هشت نیز چون فقط در دو کتاب الجامع الصغير و کنز العمال گزارش شده است، به دلیل تأخر زمانی نقل حدیث و عدم نقل آن در آثار حدیثی پیشین، اعتبار ندارد. جمع‌بندی اعتبارسنجی مصادر احادیث فتنه بودن زنان، نشان می‌دهد که بیشتر مصادر این روایات از اعتبار لازم برخوردار هستند و حتی اعتبار برخی از این روایات بسیار خوب ارزیابی می‌شود. در این میان، تنها دو روایت در مجموع (یک حدیث در شیعه و یک حدیث در اهل سنت) دچار ضعف اعتبار مصدري هستند که روایت شیعی به احتمال زیاد از منابع اهل سنت وارد کتاب مستدرک الوسائل شده است که مصادر اصلی آن در اهل سنت اعتبار معتبر است. از این رو، ضعف مصدري این روایت قابل جبران خواهد بود. لذا تنها یک روایت در این مجموعه دچار آسیب خواهد بود؛ مگر این که قایل باشیم که صرف نقل آن در الجامع الصغير و کنز العمال می‌تواند به معنای تلقی به قبول آن از نگاه

حدیث پژوهان اهل سنت باشد. در این صورت، باید معیار توالی تاریخی نقل روایت در مصادر را نادیده بگیریم. شایان ذکر است که برخی از روایات نیز فاقد معیار تسلسل تاریخی نقل در مصادر حدیثی پیشین بوده و گاه فاصله زمانی قابل توجهی میان مصادر وجود داشته که خود می‌تواند سبب تضعیف مصادر این روایات به شمار آید؛ مگر این که بتوان مصادر مفقود و میانی آنها را بازیابی کرد.

### ۳. ارزیابی اسناد

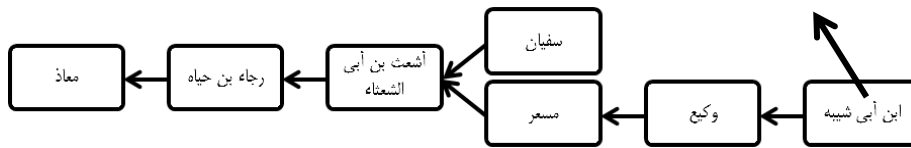
بدیهی است که اعتبار منبع گزارش‌کننده حدیث به معنای اعتبار احادیث آن نیست و حدیث افزون بر اعتبار مصدری باید از اعتبار سندی و محتوایی نیز برخوردار باشد. در اعتبارسنجی سندی، مبانی رجالی و تاریخی مذاهب تأثیرگذار است و ممکن است نتایج ارزیابی اسناد یک حدیث از منظر شیعه و سنی متفاوت باشد؛ به ویژه مطابق مبانی کلامی عدم حجیت قول صحابه نزد شیعه، احادیث اهل سنت در صورت توقف در صحابه، از اعتبار شرعی ساقط است و تنها می‌توانند به عنوان یک رأی قابل توجه و ارزیابی باشند. در ادامه، اسناد روایات فتنه بودن زنان بر اساس معیارهای شیعه و سنی ارزیابی می‌شود تا روشن شود بر اساس مبانی رجالی فریقین این روایات تا چه میزان از اعتبار لازم برخوردار است و آیا می‌توان بر اساس این روایات فتنه بودن زنان را آموزه‌ای اسلامی پنداشت. ترتیب لحاظ شده در ارزیابی اسناد همانند مصادر بر اساس ترتیب روایات بوده است.

#### اسناد معتبر

بر اساس معیارهای اعتبارسنجی اسناد تنها دو روایت از مجموع روایات فتنه بودن زنان از اعتبار لازم برخوردار هستند.

الف) روایت شماره یک، در اهل سنت، به دلیل نقل در صحیحین، بر اساس مبانی جمهور آنان در صحیح دانستن تمام روایات این دو کتاب، از صحت برخوردار است.  
ب) روایت شماره ۱<sup>۶</sup> بر اساس سندی که ابن ابی شیبه برای آن آورده است (شکل ۷)، از اعتبار رجالی و مبنایی نزد اهل سنت برخوردار است.

۱۶. المصنف، ابن ابی شیبه، ج ۸، ص ۶۱۸، ح ۱۷۳: «حدثنا وكيع، عن سفیان و مسعر، عن أشعث بن أبي الشعثاء، عن رجاء بن حیاة، عن معاذ، قال...».



شکل ۷

در این سند، مقصود از «أشعث بن أبل الشعثاء» و «مسعر» به ترتیب، «سلیم بن أسود المحاربی»<sup>۱۷</sup> و «مسعر بن کدام»<sup>۱۸</sup> هستند که به همراه دیگر راویان این سند از توثیق برخوردارند؛ هر چند سند این روایت به پیامبر ﷺ نمی‌رسد، لکن بر پایه مبنای عدالت صحابه نزد اهل سنت اقوال آنان معتبر تلقی می‌گردد. افزون بر این، محتوای روایت نهم در متنی مشابه - که دارای سندی متصل به پیامبر است - در مسند ابی یعلی نقل شده است که پیش‌تر گزارش آن گذشت.

#### اسناد ضعیف

بیشتر اسناد روایات فتنه بودن زنان از نوعی ضعف برخوردارند که اعتبار سندی آنها را دچار خدشه می‌کند. در ادامه، انواع ضعف در اسناد این روایات تحلیل می‌شود.

#### ارسال

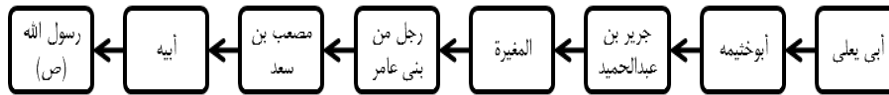
سه روایت از مجموع روایات فتنه بودن زنان دچار ارسال در سند هستند که گونه‌ای ضعف است: روایت هشتم از اهل سنت، به طور کامل مرسل است و موقوف بر صحابی است. روایت اول، در مصادر شیعه، نیز از آنجایی که به جای سند آن فقط به گزاره «القطب الراوندي في لب اللباب، عن النبي ﷺ اکتفا شده، دچار ارسال کامل است. سند روایت شماره نهم<sup>۱۹</sup> (شکل ۸) به دلیل مجهول بودن «رجل من بنی عامر» سبب ارسال و در نتیجه، ضعف سند آن شده است. «المغیره» در سند مذکور «المغیره بن مقسم الضبی»<sup>۲۰</sup> است.

۱۷. تهذیب الکمال، ج ۳، ص ۲۷۱، ش ۵۲۶.

۱۸. همان، ج ۲۷، ص ۴۶۱، ش ۵۹۰۶.

۱۹. مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۱۱۵، ح ۶۷۰: «حدثنا أبو خيثمة، حدثنا جرير بن عبد الحميد، عن المغيرة، عن رجل من بني عامر، حدثنا مصعب بن سعد، عن أبيه، قال: قال رسول الله: ...».

۲۰. تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۵۴۲، ش ۹۱۸.



شکل ۸

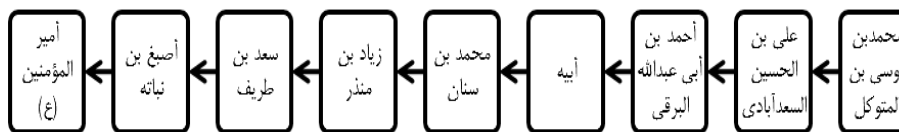
### راویان مجروح

پنج روای از اسناد چهار حدیث از روایات فتنه بودن زنان در منابع رجالی شیعه و سنی توثیق نشده و دچار جرح رجالی هستند. برخی از این راویان به تصریح رجالیان جرح شده و برخی متهم به اسباب ضعفی چون غلو هستند. مطابق اسناد روایت شماره دو<sup>۲۱</sup> (شکل ۹)، «زیاد بن منذر»، معروف به ابوجارود در نگاه برخی از رجالیان شیعه توثیق نشده است. ابن غضائری در باره وی می نویسد:

اصحاب ما نسبت به آنچه محمد بن سنان از او نقل کند، کراهت داشته اند.<sup>۲۲</sup>

بنا بر این دیدگاه که «زیاد بن منذر» ابتدا امامی بوده، سپس زیدی شده است، داراب

و ثوق لازم نیست.<sup>۲۳</sup>



شکل ۹

بر اساس شکل ۱۰ در اسناد روایت شماره سه، دو راوی ضعیف حضور دارد. در این اسناد، «عبید الله بن عبد الله الدهقان»<sup>۲۴</sup> و «عبد الله بن القاسم بن الحارث» ضعیف هستند. راوی دوم نیز متهم به غلو است.<sup>۲۵</sup>

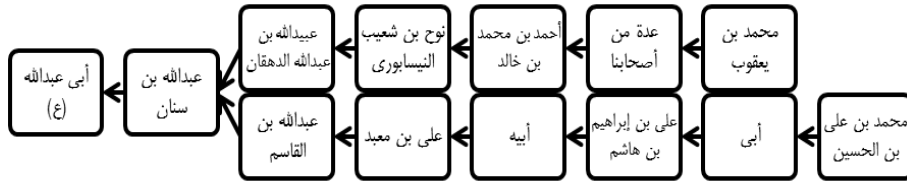
۲۱. الخصال، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۹۱: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِآبَادِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ...».

۲۲. رجال ابن الغضائری، ص ۶۱، ش ۵۱.

۲۳. رجال النجاشی، ص ۱۷۰، ش ۴۴۸.

۲۴. همان، ص ۲۳۱، ش ۶۱۴.

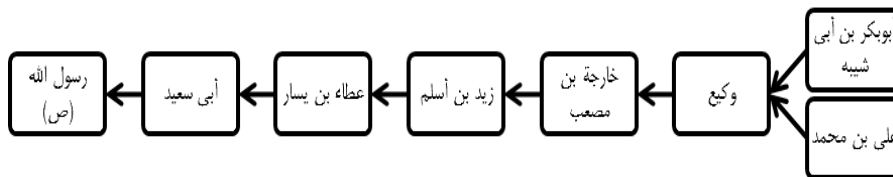
۲۵. همان، ص ۲۲۶، ش ۵۹۳؛ رجال ابن دآود، ص ۴۷۰، ش ۲۷۳.



شکل ۱۰

سند روایت شماره پنج «ابو معاویه، عن لیث عن طاووس»، افزون بر مقطوع بودن آن، راوی میانی، «لیث بن اَبی سلیم بن زَنیم القرشی»،<sup>۲۶</sup> در رجال اهل سنت تضعیف شده است.<sup>۲۷</sup> در این سند، مقصود از «طاووس» و «أبو معاویه» به ترتیب، «طاووس بن کیسان»<sup>۲۸</sup> و «أبو معاویه محمد بن حازم الضریر»<sup>۲۹</sup> است. شایان ذکر است با توجه به گزارش سیوطی در الدر المنثور- که این حدیث را با ارجاع به المصنف ابن اَبی شیبّه، از قول «ابن عباس» آورده است - مشکل مقطوع بودن آن قابل رفع خواهد بود.

در سند روایت شماره شش (شکل ۱۱) «خارجة بن مصعب» تضعیف شده است.<sup>۳۰</sup>



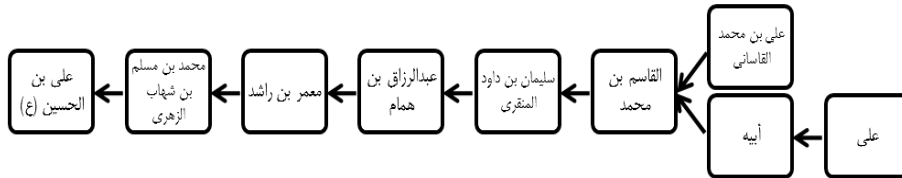
شکل ۱۱

### راویان مهمل

در سند روایت شماره چهار (شکل ۱۲) «معمر بن راشد» مهمل بوده و توصیفی از وی در منابع رجالی به دست نیامد. افزون بر این، «محمد بن مسلم بن شهاب»<sup>۳۱</sup> و «سلیمان بن

۲۶. همان، ج ۲۴، ص ۱۸۴، ش ۵۰۱۷.  
 ۲۷. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۸۵، ش ۵۰۱۷.  
 ۲۸. همان، ج ۵، ص ۸، ش ۱۴.  
 ۲۹. همان.  
 ۳۰. تهذیب الکمال، ج ۸، ص ۱۷، ش ۱۵۹۲.  
 ۳۱. التاریخ الکبیر (للبخاری)، ج ۱، ص ۲۲۰.

داود المنقری<sup>۳۲</sup> عامی مذهب هستند.



شکل ۱۲

برایند ارزیابی رجالی اسناد روایات فتنه بودن زنان نشان‌گر آن است که بیشتر روایات فریقین دچار ضعف هستند و تمامی روایات شیعه، بر اساس مبنای متأخرین، ضعیف‌السنند هستند. در اهل سنت نیز از میان هفت روایت موجود - که برخی با چند سند گزارش شده‌اند - دو سند صحیح و شش سند ضعیف هستند. در نتیجه، اسناد اهل سنت نیز از این ناحیه دچار آسیب‌اند.

#### ۴. سنجش دلالی

تبيين مراد از کاربرد فتنه در روایات مورد بحث، تعامل آنها با خانواده روایات زن و سنجش مقصود نهایی با معیار قرآن، از جمله مراحل ضروری برای نزدیک شدن به مرادی جدی این روایات و ارزیابی صحت و سقم آنها است که در ادامه می‌آید.

##### ۴-۱. معناشناخت «فتنه زنان»

معناشناسی واژه فتنه نقش مهمی در تحلیل روایات فتنه بودن زنان دارد و بسنده نمودن به معنای متبادرو عرفی و خلط معنای فارسی با معنای عربی این واژه، ممکن است مفهومی را در ذهن فهمنده تداعی کند که با مقصود اصلی گوینده تفاوت یا فاصله داشته باشد. از این رو، فحوص تام از گوهر معنایی و تبیین مؤلفه‌های معنایی مفردات حدیث گامی ضروری در تحلیل روایات و استنباط آموزه‌ای دینی از متون روایی به شمار می‌آید. این ضرورت زمانی دوچندان می‌شود که واژه‌ای در اثر کثرت استعمال در یک معنا، دچار تعین عرفی و غلبه استعمال در یک معنا شده باشد و معنای اصلی و حقیقی

۳۲. الضعفاء العقبلی، ج ۲، ص ۱۲۸، ش ۶۱۰.

آن مد نظر قرار نگیرد. کلمه فتنه نیز از جمله این واژگان است که در متون کهن و اصیل عربی و نصوص روایی معنایی خاص دارد که بعدها در اثر کثرت استعمال بُعد منفی از آن به ذهن متبادر می‌شود؛ در حالی که اصل این واژه دارای معنایی منفی نیست. افزون بر این، تفاوت معنایی این واژه در فرهنگ فارسی با عربی نیز باید مد نظر قرار بگیرد. کاربران فارسی زبان بیشتر از کلمه فتنه معنایی منفی می‌فهمند. در لغت‌نامه‌های مشهور فارسی نیز معانی چون اختلاف، آشوب، شر و فساد برای فتنه یاد شده و از باب مجاز به زیبا و دل‌فریب معنا شده است.<sup>۳۳</sup> این مهم نشان می‌دهد که در دو فرهنگ عربی و فارسی یک واژه می‌تواند معنایی متفاوت پیدا کند که از آن به عنوان «خلط معنای فارسی و عربی» در موانع فهم حدیث یاد می‌شود. برخی از نویسندگان نمونه‌هایی چون مداد، قهرمان و... را نیز از این باب مثال آورده‌اند.<sup>۳۴</sup>

در زبان عربی اصل کلمه «فتنه» از «فتن» بر پایه دیدگاه فراهیدی، به معنای سوزاندن چیزی در آتش است؛ همانند ورقه طلا که در آتش گذاخته سوزانده می‌شود. وی در ادامه، کاربردهای آن در متون روایی و ادب عربی را چون عذاب، جنگ، ابتلا، عشق، شیطان و... گزارش کرده است.<sup>۳۵</sup> برخی از لغویان فتنه را به معنای امتحان و ابتلا گفته‌اند.<sup>۳۶</sup> البته برخی در تفاوت فتنه با ابتلا گفته‌اند که در فتنه شدت آزمون بیشتر است.<sup>۳۷</sup> در گفتمان قرآنی نیز فتنه «هر آن چیزی است که اختلال با اضطراب را به همراه داشته باشد».<sup>۳۸</sup> از مجموع اقوال لغویان چنین بر می‌آید که گوهر معنایی فتنه واقع شدن شیء یا شخص در موقعیتی دشوار و آزمونی است که می‌تواند نتایج مثبت یا منفی را به دنبال داشته باشد. از این رو، مؤلفه‌های معنایی فتنه را می‌توان سنجش و دشواری دانست. با توجه به معنای وضعی و استعمالی فتنه، این واژه همیشه بار معنایی منفی یا زشتی ندارد و کاربرد آن در سیاق است که قرینه‌ای بر اراده معنایی مثبت یا منفی از آن را می‌رساند؛ هر چند که در متون دینی، فتنه بیشتر در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که آسیب‌زا هستند. از این رو، توصیه به

۳۳. رک: ذیل ماده فتنه در: لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ عمید.

۳۴. درسنامه فهم حدیث، ص ۱۹۰.

۳۵. کتاب العین، ج ۸، ص ۱۲۷.

۳۶. الصحاح، ج ۶، ص ۲۱۷۶؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۷۳.

۳۷. فروق اللغة، ص ۳۹۷.

۳۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ذیل ماده «فتن».

احتیاط و حزم اندیشی در تعامل با موقعیت های فتنه آمیز شده است.<sup>۳۹</sup> در روایات مورد بحث، کاربرد فتنه در باره زنان در اثر هم نشینی این واژه با مفاهیمی چون «أَصْرًا: زیان آورتر»، «سَيْفُ الشَّيْطَانِ: شمشیر شیطان» و «أَعُوذُ بِكَ: پناه بردن به خداوند» قرینه ای درون متنی بر اراده معنایی منفی از این واژه شده است. کاربرد تعبیری چون «عَصِيَ اللَّهُ: اسباب عصیان از امر خداوند»، «فَتَشَعَّبَ...: وام گرفته از گناه»، «اتقوا: پروا داشتن» و «ویل: تحذیر» در قسم دوم روایات نیز، به حساس بودن تعامل مردان با زنان اشاره دارد. حال، مقصود از فتنه بودن زنان در این روایات چیست؟ چند احتمال در این باره مطرح است:

### الف) جاذبه های جنسیتی

نظر به جاذبه های طبیعی موجود در دو بُعد جسمی و روانی زنان - که به اقتضای نظام احسن در این جنس نهادینه شده است - همواره جنس زن مورد توجه مرد بوده و نوعی گرایش طبیعی و تمایل جنسی میان زن و مرد وجود دارد که نمود اعتدالی و فطری آن در ازدواج تجلی پیدا می کند. اصل این میل غیر اختیاری است؛ هر چند میزان و چگونگی اظهار آن، تربیت پذیر است. از این رو، بهره وری و استخدام آن در شمار اعمال اختیاری انسان قرار می گیرد. البته همین تمایل طبیعی به جنس مخالف، در صورت غفلت یا افراط، زمینه ساز انحراف و عدول از معیارهای انسانی و دینی خواهد شد. برخی تأثیر پذیرفته از روایات،<sup>۴۰</sup> تقدم شهوت به زنان در آیه «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ...»<sup>۴۱</sup> را به کثرت لذت بهره جنسی مردان از زنان توجیه کرده اند که در دیگر مشتتهیات چنین درجه ای از لذت و تمایل برای مردان نیست.<sup>۴۲</sup> بر اساس تحلیل اخیر، چون میزان رغبت جنسی مردان به زنان بیش از دیگر امور دنیوی است، همواره احتمال به فتنه افتادن آنها به واسطه زنان وجود دارد. از این رو، روایات آن را به طور خاص برجسته کرده و در قرآن نیز بر دیگر موارد ابتلای مردان تقدم یافته است. بر اساس این تحلیل، فتنه بودن زنان بدین معنا است که گویی زنان آزمونی برای

۳۹. امام علی علیه السلام: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ، لَا ظَهْرٌ فَيُرَكَّبُ، وَلَا صَنْعٌ فَيُخَلَّبُ» (نهج البلاغه، حکمت اول).

۴۰. قال أبو عبد الله عليه السلام: «ما تَلَذَّذَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِلَذَّةٍ، أَكْثَرُ لَهُمْ مِنْ لَذَّةِ النِّسَاءِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - "زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ..."» (الكافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۱).

۴۱. سوره آل عمران، آیه ۱۴: «مَحَبَّتِ امْرُؤٍ مَادِي، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب های ممتاز و

چهار پایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است...».

۴۲. کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۵۰.



سنجش مردان هستند تا میزان پایبندی آنان به اصول فطری، انسانی و دینی در مواجهه با زنان سنجیده شود. لازم منطقی این معنا وجود زمینه‌ها و جاذبه‌های خاص در زنان است که زمینه ساز آزمون برای سنجش عفاف مردان است. از این رو، فتنه بودن به معنای دارا بودن جاذبه‌های طبیعی و جنسیتی، ویژگی ذاتی زنان است، و مراد این روایات هشدار است به مردان که مواجهه و تعامل با زنان از موقعیت‌های فتنه‌زا (حساس و احتمال لغزش) بوده و باید رعایت جوانب احتیاط و تقوای در رفتار با آنان مد نظر داشت. از سوی دیگر، هشدار است به زنانی که مراقبت لازم از جاذبه‌های جنسیتی و زمینه‌های شهوت‌انگیزی در خود ندارند و در تعامل با مردان اخلاق مراقبت و اصول عفاف را رعایت نمی‌کنند. با این تحلیل، روایات مورد بحث، نه تنها به معنای تحقیر زنان نیست، بلکه با هدف ارتقای امنیت اخلاقی جامعه در تصحیح تعامل زنان و مردان صادر شده است.

#### ب) علت فتنه‌های دیگر

در این تبیین، فتنه بودن زنان در مقایسه با دیگر امور فتنه‌انگیز، تفاوتی محسوس داشته و نقش سببی در ارتکاب دیگر فتنه‌ها دارد. از این رو، فتنه‌ای خاص و مهم است. بر پایه این تحلیل - که برخی از عالمان مسلمان نیز بدان باورمندند - مراد از فتنه بودن زنان، نقش آنها در تحریک مردان به ارتکاب برخی از محرمات است که نقش مهمی در سنجش ایمان مردان دارند. تشویق به قطع رحم و کسب مال حرام از جمله مصادیقی است که مردان در اثر پیروی از همسران خود مرتکب می‌شوند. این نگره با اقتباس از آیه «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ...» فتنه زنان را بزرگ‌تر، شدیدتر و ظاهرتر از دیگر فتنه‌ها ارزیابی می‌کند<sup>۴۳</sup> و وجه تقدم زنان بر دیگر امور را چنین بیان می‌کند که در زنان دو فتنه وجود دارد: اول، قطع رحم است که زن، همسر خویش را به دوری نمودن از خانواده خویش اجبار می‌کند و دوم، آن که وی را به جمع‌آوری مال حرام و حلال فرمان می‌دهد؛ در حالی که در فرزندان تنها یک فتنه وجود دارد و آن جمع نمودن مال است.<sup>۴۴</sup> شایان ذکر است که از منظر دینی این تحلیل معنایی فتنه، تعمیم‌پذیر برای عموم زنان نیست و شاید مراد این عالمان، زنان غیرمقید به احکام اسلامی باشد؛ زیرا ترغیب به

۴۳. تفسیر السمرقندی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۵۲؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، ج ۲، ص ۱۶؛ تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ج ۱۱، ص ۱۹۶؛ زیادة التفاسیر، ج ۱، ص ۴۵۷.

۴۴. تفسیر السمرقندی، ج ۱، ص ۲۲۳.

ارتکاب حرامی چون قطع رحم و کسب مال حرام - که از محرّمات صریح قرآنی هستند - در شأن زنان مؤمن نیست. از این رو، این تحلیل از جامعیت ندارد؛ مگر این که گفته شود مقصود از نساء در این روایات، زنانی خاص (قضایای شخصی یا تاریخی) است که در ادامه از آن بحث خواهیم نمود. لکن تحلیل فتنه به معنای فراوانی و استمرار لذت جنسی از زنان از فراگیری لازم در همه زنان برخوردار است و نظریه شدت این میل در مردان، فتنه انگیز بودن آن منطقی و معقول به نظر می‌رسد که در بخش قبلی فتنه به معنای جاذبه‌های جنسیتی بدان اشاره شد.

### ج) تبرّج

فتنه بودن زنان در روایات مورد بحث را می‌توان به نوعی بد اخلاقی و نابهنجاری تفسیر کرد که زمینه‌ساز شهوت‌رانی و انحراف در مردان باشد. چنین زنانی از جنسیت و جاذبه‌های آن به عنوان ابزاری برای ارضای کاذب خود و برهم زدن امنیت روانی و جنسی مردان بهره می‌برند. در روایت معاذ به این معنای از فتنه زنان اشاره شده است. در روایت معاذ «... و من از فتنه زنان هنگامی که با طلا خود را بیارایند و لباس شام بپوشند، بر شما بیمناکم...»<sup>۴۵</sup> شاخص این فتنه پوشش شامی و زینت‌گرایی افراطی است که دو عامل روانی در تحریک جنسی به شمار می‌آید. شاید یکی از وجوه معنایی روایت کفرگرایی امت‌ها از طریق زنان،<sup>۴۶</sup> همین برهنگی و هرزه‌گرایی و تأثیر آن در عدول برخی از مردان را از مسیر دیانت و تقوا باشد.

جمع‌بندی معناشناختی فتنه در این روایات نشان‌گر این نکته است که فتنه به معنای یاد شده با تحقیر یا شوم بودن شخصیت زن مساوی نیست و احادیث فقط به حساسیت تعامل با زنان و ضریب تأثیرپذیری مردان از آنان اشاره دارند. به سخن دیگر، روایات رویکرد واقع‌گرایانه در تحلیل ماهیت رابطه و کنش‌های طبیعی و محسوس میان زنان و مردان داشته و به آسیب‌شناسی تعاملات جنسیتی این دو جنس توجه کرده است.

بی‌شک، مردان نیز جاذبه‌های جنسیتی برای زنان داشته و می‌توانند عامل انحراف در زنان گردند؛ هم‌چنان که در روایات اشاره شده است، لذت جنسی در زنان نود و نه بار

۴۵. " معاذ قال: «... وإن أخوف ما أتخوف عليكم فتنة النساء، إذا تسورن الذهب ولبسن ریط الشام...» (المصنف، ابن أبي شيبة، ج ۸، ص ۶۱۸، ح ۱۷۳)؛ مسند أبي يعلى، ج ۲، ص ۱۱۵، ح ۶۷۰.

۴۶. حدثنا أبو معاوية، عن ليث، عن طاوس، قال: «لم يكن كفر من مضى إلا من قبل النساء، وهو كائن كفر من بقي من قبل النساء» (المصنف، ابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۹؛ الدر المنثور في تفسير المأثور، ج ۴، ص ۱۸۰).

بیشتر از مردان است، لکن خداوند در وجود آنان حیا را قرار داد تا زینت بخش جانیشان گردد.<sup>۴۷</sup> در قرآن نیز فرمان «غض بصر» و «عفاف» به هر دو گروه مردان و زنان داده شده است.<sup>۴۸</sup> تا با رعایت ملازمات ذکر شده در آیات زندگی اجتماعی و خانوادگی مسلمین بر سبیل راست حرکت کرده و جامعه‌ای سعادت مند ایجاد شود؛ هم چنان که در روایت ابی سعید خدری انذار به هر دو جنس مطرح شده است.<sup>۴۹</sup>

البته این سؤال هم چنان باقی است که مردها نیز از جهاتی از جمله جاذبه‌های جنسیتی برای زنان می‌توانند وسیله آزمایش قرار گیرند، پس چرا در روایات به فتنه بودن مردان برای زنان اشاره نشده است؟ لکن پرداختن بدان نیازمند پژوهشی مستقل بوده و خارج از موضوع این مقاله است.

## ۲-۴. تعارض‌نمایی فتنه بودن زنان با احادیث حب النساء

در گونه دوم روایات مورد بحث «دوستی زنان: حب النساء» یکی از مصادیق فتنه معرفی شده است.<sup>۵۰</sup> این در حالی است که در سایر روایات اسلامی دوست داشتن زنان از جلوه‌های اخلاق پیامبران،<sup>۵۱</sup> نشانه فزونی ایمان،<sup>۵۲</sup> یکی از سه محبوب حضرت محمد ﷺ از دنیا در کنار نماز و عطر،<sup>۵۳</sup> خیر کثیر بودن در زنان<sup>۵۴</sup> و از جمله عطایای اختصاصی هفت‌گانه اهل بیت<sup>۵۵</sup> بیان شده است. در برخی از جوامع حدیثی متقدم شیعه، چون *الکافی* و *کتاب من لایحضره الفقیه* بابی با عنوان «حب النساء» وجود دارد که روایات

۴۷. مکارم الأخلاق، ص ۲۱۲: «فضلت المرأة على الرجل بتسع وتسعين جزءاً من اللذة، ولكن الله - عز وجل - ألقى عليهن الحياء».

۴۸. سوره نور، آیه ۳۰ و ۳۱.

۴۹. «ما من صباح إلا وملكان يناديان: ويل للرجال من النساء، وويل للنساء من الرجال!».

۵۰. روایت شماره دوم: «الْفِتْنَةُ ثَلَاثُ حُبِّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ...» (الخصال، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۹۱).

۵۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «مِنْ أَحْسَنِ الْأَنْبِيَاءِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ - حُبُّ النِّسَاءِ» (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۳).

۵۲. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزِدُّهُ فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا إِذَا دَانَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ» (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۲؛ من لا يحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴).

۵۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «حُبُّ إِلَى مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءِ وَالطَّيِّبِ، وَجَعَلَ قِرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (سنن النسائي، ج ۷، ص ۶۱).

۵۴. ... ابا عبد الله ﷺ يقول: «أكثر الخير في النساء» (من لا يحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵).

۵۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَعْطَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ سَبْعَةَ لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلَنَا، وَلَا يُعْطَاهَا أَحَدٌ بَعْدَنَا: الصَّبَاحَةُ، وَالْفَصَاحَةُ وَالسَّمَاةُ، وَالشُّجَاعَةُ، وَالْحَلْمُ، وَالْعِلْمُ، وَالْمَحَبَّةُ مِنَ النِّسَاءِ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۷).

متعددی با مضمون نیک بودن دوست داشتن زنان ذیل آن گزارش شده است.<sup>۵۶</sup> شیخ حر عاملی نیز این روایات را ذیل باب «باب استحباب حب النساء المحلات و...»<sup>۵۷</sup> گزارش کرده است. حال، در صورتی که زنان فتنه باشند، چگونه به دوستداری آنان توصیه شده و از جلوه‌های اخلاق پیامبرانه و نشانه‌های ایمانی افراد دانسته شده است؟ تعارض‌نمایی این دو دسته روایات چگونه قابل رفع است؟ برای حل تعارض و جمع این دو دسته از روایات راهکارهای ذیل قابل طرح است:

### اول) مصداق‌شناسی نساء

یکی از راه‌کارهای حل تعارض روایات مورد بحث، تحلیل مصداق زنان در این روایات است. آیا مصداق زنان در هر دو دسته از روایات فتنه النساء و احادیث حب النساء یکی است؟ پاسخ به این سؤال در دو فرض اختلاف یا وحدت مصداق نساء در هر دو دسته از روایات فتنه و حب النساء قابل بررسی است:

**اختلاف در مصداق:** زنان مورد نظر در روایات فتنه و حب النساء، وحدت مصداقی ندارند؛ هر چند در عنوان مشیر «النساء» اشتراک دارند. با توجه به تفاوت مصداق، در اصل، تعارضی میان این روایات وجود ندارد؛ زیرا زنان مقصود در روایات فتنه، غیر از زنان مد نظر در روایات حب النساء هستند. مقصود از زنان یاد شده در روایات حب النساء، زنان پاکدامنی هستند که حداقل‌های ضروری برای زندگی زناشویی از جمله ایمان، عفت و همانند آن دورا دارند. زنان روایات دسته نخست، زنانی هستند که مراقبت جنسیتی نداشته و عفاف در تعامل با مردان را رعایت نمی‌کنند.

**وحدت در مصداق:** مقصود از زنان در هر دو دسته از روایات مورد بحث یکی است. زنان همواره برای مردان دارای جاذبه جنسیتی بوده و نوع مواجهه با آنان آزمونی برای مردان است. از این رو، میان زنان به لحاظ ایمانی و عفاف در رفتار تفاوتی نیست و روایات فتنه شامل زنان مؤمن و عقیف نیز می‌شود. خطاب روایات فتنه - که شامل مسلمانان اعم از زنان و مردان است - خود قرینه‌ای است که نشان می‌دهد که مخاطب روایات همین زنان و مردان جامعه اسلامی بوده که هر دو با اصول اسلامی در تعامل با یکدیگر آشنا هستند. روایات حب النساء نیز اشاره به یک امر فطری و طبیعی در مردان دارد که همواره تمایل به

۵۶. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

۵۷. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱.

جنس مخالف دارند و زناشویی را برای خود نیازی می‌دانند. ورود شرع در این عرصه تأسیسی نیست، بلکه فقط تأکیدی است بر یک امر رایج و طبیعی و برای زدودن رهبانیت کاذبی است که همزمان با ظهور اسلام در میان برخی رایج بوده است که دوست‌داری زنان، با ایمان و معنویت سازگاری ندارد. در نتیجه، می‌توان چنین گفت که دوست‌داری زنان امری طبیعی است؛ لکن باید این نیاز همواره به صورت مدیریت شده ارضا گردد.

### دوم) مفهوم شناسی حبّ زنان

راه‌کار دوم در حل تعارض روایات فتنه با حب النساء، بر تفاوت مفهومی «حب النساء: دوست داشتن زنان» در این روایات تکیه دارد. گویی روایات به دو گونه حب اعتدالی و حب افراطی اشاره دارند و گونه دوم را زمینه‌ساز آزمون‌ی بس سخت برای مردان معرفی می‌کند که با واقعیت‌های تجربی و عینی نیز قابل اثبات است. بر اساس این راه‌کار، مقصود از حب نهی شده در روایات فتنه، افراط در دوستی زنان یا دوست داشتن زنان از روی شهوت یا عشقی است که سبب زایل شدن عقل یا ایمان می‌گردد. البته علت این امر می‌تواند از تأخیر در امر ازدواج نیز باشد. چنین افراطی ممکن است ایمان فرد را به تباهی کشاند و توشه تقوای وی را در لحظه‌ای به باد فنا دهد. این تبیین در روایتی از رسول خدا در بازخوانی ماجرای عابدی به نام «کرسف» که «... سیصد سال در ساحل دریا بندگی کرد، روزه گرفت و عبادت کرد، اما بر اثر عشق به زنی به خدا کفر ورزید و عبادت را رها کرد؛ لیکن پس از مدتی توبه کرد...»<sup>۵۸</sup> نیز گزارش شده است. با این تحلیل می‌توان گفت که مفهوم فتنه بودن زنان برای مردانی است که شهوت جنسی خود را به هر دلیلی مهار نکرده باشند و در مواجهه با زنان توان لازم برای کنترل رفتار خود را نداشته باشند. در این فرض زنان برای چنین مردانی فتنه‌انگیز هستند لکن عامل روانی این فتنه ریشه در ویژگی‌های مردانه دارد و زن در حد زمینه عمل می‌کند. در نتیجه بهترین راه برای دوری از شهوات و

۵۸. متن کامل روایت نبوی چنین است: قَالَ ﷺ «مَا لِلشَّيْطَانِ سِلَاحٌ أْبْلَغُ فِي الصَّالِحِينَ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا الْمَتَزَوِّجُونَ، أَوْلَيْكَ الْمُطَهَّرُونَ الْمُبْرَأُونَ [مِنَ الْخَنَا]. وَيَحْكُ يَا عَكَافُ! إِنَّهُنَّ صَوَاحِبُ أَيُّوبَ وَ دَاوُدَ وَيُوسُفَ وَ كَرْسُفَ، قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ كَرْسُفٌ؟ قَالَ: رَجُلٌ كَانَ يَعْْبُدُ اللَّهَ بِسَاحِلِ الْبَحْرِ ثَلَاثِمِائَةَ عَامٍ يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ، ثُمَّ إِنَّهُ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ فِي سَبَبِ امْرَأَةٍ عَشِقَهَا وَ تَرَكَ مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ - ثُمَّ اسْتَدْرَكَهُ اللَّهُ بِبَغْضِ مَا كَانَ مِنْهُ، فَتَابَ عَلَيْهِ، وَ يَحْكُ يَا عَكَافُ تَزَوُّجُ!» (المصنف، صنعاني، ج ۶، ص ۱۷۱ و ۱۷۲، ح ۱۰۳۸۷؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۹۵ و ۱۹۶، ح ۲۱۰۵۰۶؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۹، ح ۱۶۳۷۲؛ جامع أحاديث الشيعه، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۳۶۴۹۷).

کنترل هواهای نفسانی ازدواج است. مردان و زنان مؤمن می‌توانند با ازدواج کردن دامان خویش را از گناه دور ساخته و نیاز فطری خود را به نحو حلال پاسخ گویند. مقصود از دوست داری زنان در روایات حب النساء، همان حس غریزی طبیعی و فطری در مردان است که در فرض سلامت طبع به شکل یک نیاز جلوه می‌کند و اولیای الهی به اجابت این نیاز فطری همواره مراقبت دارند و آن را سرکوب نمی‌کنند.

### سوم) قضایای تاریخی و شخصی

راه‌کار سومی که به نظر می‌آید تعارض احادیث فتنه النساء و حب النساء با آن قابل رفع است، تشخیص حقیقی یا تاریخی بودن نوع قضایای این روایات است. به سخن دیگر، آیا لسان این روایات بیان قضیه حقیقی است یا قضیه‌ای تاریخی و شخصی؟ با توجه به گفتمان‌شناسی صدور روایات فتنه النساء می‌توان چنین گفت که موضوع این روایات بیشتر، زنان عصر جاهلی بوده که بر اساس آموزه‌های فرهنگ و حیانی رشد نیافته بودند. از این رو شامل زنان مؤمن و صالح نمی‌شود. از منظر دیگر می‌توان چنین گفت که روایات فتنه بودن زنان ناظر به دوره عدم حاکمیت آموزه‌های اسلام در تربیت و مدیریت جامعه انسانی است که جامعه عصر جاهلی مثال شاخص آن است؛ لکن به آن اختصاص ندارد و می‌تواند شامل جوامع دیگر در دوره‌های متأخر باشد؛ همانند وضعیت فعلی زنان در برخی از کشورهای غربی که به سان عصر جاهلی بوده یا گاهی افراطی‌تر نیز است. در نتیجه، چنین زنانی محبوب مؤمنان نبوده و از موضوع احادیث حب النساء به نحو تخصص خارج هستند و وظیفه مردان مؤمن در مواجهه با چنین زنانی مراقبت و احتیاط است که در حدیث معاذ بن جبل بدان اشاره شده است.

### ۳-۴. فتنه بودن زنان و نظریه قرآنی

بدیهی است که هر آموزه استنباط شده از منبعی غیر از قرآن، در صورتی اعتبار استناد به شارع اسلامی را دارد که به تأیید قرآن رسیده یا دست‌کم مخالفتی با آن نداشته باشد. واقعیت این است که قرآن در باره فتنه بودن جنس زنان گزاره‌ای صریح ندارد و نمی‌تواند فتنه‌انگیز بودن جنس زن به معنای منفی و ضد اخلاقی آن را به قرآن نسبت داد؛ هر چند قرآن از زنانی با پیشینه و عملکردی بد نیز یاد کرده است، اما در مقابل از زنانی نیز یاد کرده

است که شایسته الگو بودن برای مردان نیز هستند.<sup>۵۹</sup> از این رو، استناد پنداره تحقیر شخصیت زن، با توجه به ظاهر روایات فتنه مخالف با نظریه قرآنی است؛ زیرا اعتبار محتوایی سنت و هر برداشتی از ظواهر روایات مشروط به موافقت با قرآن است و قرآن چنین آموزه‌ای را - که مستلزم نگرش منفی به زن باشد - مردود می‌داند.

### نتیجه

حضور روایات فتنه بودن زنان در میراث حدیثی فریقین نشان گر رواج این نگره در میان عالمان اسلامی بوده و نمی‌توان فقط به دلیل ضعف سند یا مصدر، اسلامی بودن این آموزه به معنای باورمندی مسلمین به آن را نفی کرد. تلقی به قبول این متون به عنوان روایت و گزارش آنها در جوامع حدیثی شاخص از سوی محدثان مسلمان نشان‌گر یک باور تاریخی به محتوای این روایات در طول تاریخ اندیشه اسلامی است که حضور آن را نمی‌توان در فرهنگ و میراث اسلامی نادیده انگاشت. سنجش و دشواری مؤلفه‌های معنایی فتنه است. با توجه به معنای وضعی و استعمالی فتنه این واژه همیشه بار معنایی منفی یا زشتی ندارد و کاربرد آن در سیاق است که قرینه‌ای بر اراده معنایی مثبت یا منفی از آن را می‌رساند؛ هر چند که فتنه در متون دینی بیشتر در موقعیت‌هایی به کار می‌رود که آسیب‌زا هستند. از این رو، توصیه به احتیاط و حزم‌اندیشی در تعامل با موقعیت‌های فتنه‌آمیز شده است. در روایات، کاربرد فتنه در باره زنان در اثر هم‌نشینی این واژه با مفاهیم منفی قرینه‌ای درون‌متنی بر اراده معنایی منفی از این واژه شده است. جمع‌بندی معناشناختی فتنه در این روایات نشان‌گر این نکته است که فتنه به هر دو معنا مساوی با تحقیر یا شوم بودن شخصیت زن نیست و احادیث فقط به حساسیت تعامل با زنان و ضریب تأثیرپذیری مردان از آنان اشاره دارند. به سخن دیگر، روایات رویکرد واقع‌گرایانه در تحلیل ماهیت رابطه و کنش‌های طبیعی و محسوس میان زنان و مردان داشته و به آسیب‌شناسی تعاملات جنسیتی این دو جنس توجه کرده است. مفهوم فتنه بودن زنان برای مردانی است که شهوت جنسی خود را به هر دلیلی مهار نکرده و در مواجهه با زنان توان لازم برای کنترل رفتار خود را نداشته باشند. زنان، در این فرض، برای چنین مردانی فتنه‌انگیز هستند، لکن عامل روانی این فتنه در ویژگی‌های مردانه ریشه دارد و زن در حد زمینه عمل می‌کند.

۵۹. رک: تحریم، آیه ۱۱-۱۲.

مقصود از حب نهی شده در روایات فتنه، افراط در دوستی زنان یا دوست داشتن زنان از روی شهوت یا عشقی است که سبب زایل شدن عقل یا ایمان می‌گردد.

### کتابنامه

- الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، محمد بن حبان، ترتیب: علی بن بلبان، بیروت: دار المعرفة، اول، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م.
- إرشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن محمد دیلمی، قم: الشریف الرضی، اول، ۱۴۱۲ق.
- أصول الكافي، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیة اسلامیة، اول، ۱۳۶۹ش.
- أعيان الشيعة، سید محسن امین، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربي، دوم، ۱۴۰۳ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بن سلیمان البحرانی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة بعثة، ۱۳۷۴ش.
- پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
- التاريخ الكبير، أبي عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، تركيه: المكتبة الإسلامية، بی تا.
- تحرير المرأة في عهد الرسالة، عبد الحليم محمد ابوشقة، كويت - قاهره: دار القلم، ۱۴۱۰ق.
- التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ش.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود، عیاشی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، اول، ۱۳۸۰ق.
- تفسیر القرآن العظيم، اسماعیل بن عمرو بن كثير الدمشقي، بیروت: دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۹ق.
- تفسیر القرآن العظيم، عبد الرحمن بن محمد بن ابی حاتم، تحقیق: اسعد محمد اطیب، عربستان سعودی: مكتبة نزار مصصفي الباز، سوم، ۱۴۱۹ق.
- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ق.



- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، اول، ۱۳۶۸ ش.
- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
- تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۰۹ ق.
- تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م.
- تهذیب الکمال، جمال الدین أبی الحجاج یوسف مزی، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله، چهارم، ۱۴۱۳ ق.
- جامع أحادیث الشیعة، آقا حسین بروجردی، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، اول، ۱۳۸۶ ش.
- جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف: مطبعة الحیدریة، بی تا.
- جامع الترمذی، أبی عیسی محمد بن عیسی بن سوره، تحقیق: البانی، ریاض: بیت الأفكار الدولیه، بی تا.
- الجامع الصغیر من حدیث البشیر النذیر، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، تحقیق: عبدالله محمد درویش، دمشق: ۱۴۲۳ ق/ ۲۰۰۲ م.
- الخصال، محمد بن علی صدوق، ترجمه: یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر، اول، ۱۳۸۲ ش.
- الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- درسنامه فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، اول، ۱۳۸۹ ش.
- دوائر الخوف قراءة فی خطاب المرأة، نصر حامد ابوزید، مغرب: دار البیضاء، ۲۰۰۴ م.
- رجال ابن الغضائری، احمد بن حسین غضائری، تحقیق: سید محمد رضا جلالی، قم: دار الحدیث، اول، ۱۴۲۲ ق/ ۱۳۸۰ ش.
- رجال ابن داود، حسن بن علی ابن داود، قم: منشورات الرضی، ۱۳۹۲ ق/ ۱۹۷۲ م.
- رجال النجاشی، ابی العباس احمد بن علی نجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم:

- مؤسسه النشر الإسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ق.
- ریاض الصالحین، یحیی بن شرف نووی دمشقی، تحقیق: محمد بن عبد الله طالبی، ریاض: دار الطیبه، اول، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۴م.
- زیة التفاسیر، ملا فتح الله کاشانی، قم: بنیاد معارف اسلامی، اول، ۱۴۲۳ق.
- زن در آئینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۴ش.
- زنان و سه پرسش اساسی، سعید داودی، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۲ش.
- سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه، شرح: ابی الحسن حنفی، بیروت: دار المعرفه، دوم، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م.
- السنن الكبرى، ابی بکر احمد بن حسین بیهقی، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- السنن الكبرى، احمد بن شعیب نسائی، تحقیق: عبد الغفار سلیمان بنداری و سید حسین کسروی، بیروت: دار الکتب العلمیه، اول، ۱۹۹۱م.
- شخصیت و حقوق زن در اسلام، مهدی مهریزی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۸۲ش.
- الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، پنجم، ۱۳۸۷ش.
- صحیح ابن خزیمه، ابی بکر محمد بن اسحاق بن خزیمه، تحقیق: محمد مصطفی اعظمی، لبنان - عمان: المکتب الإسلامی، دوم، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
- صحیح البخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، شرح: مصطفی دیب البغاء، دمشق: دار العلوم الإنسانیه، دوم، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- صحیح مسلم، ابی الحسین بن مسلم بن حجاج نیشابوری، ریاض: بیت الأفكار الدولیه، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
- صورت بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، محمد پزشکی، قم: پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۷ش.
- ضعفاء العقیلى، ابی جعفر محمد بن عمرو بن موسی، تحقیق: عبد المعطی امین قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیه، دوم، ۱۴۱۸ق.
- غریب الحدیث، ابراهیم بن اسحاق حربی، تحقیق: سلیمان بن ابراهیم العاید، جدّه:

- دارالمدنی، ۱۴۰۵ق.
- غریب الحدیث، عبد الله بن مسلم بن قتیبه دینوری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- فروق فی اللغة، حسن بن عبد الله عسکری، بیروت: دار الأفاق الجدیده، اول، ۱۴۰۰ق.
- فرهنگ عمید، حسن عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، هشتم، ۱۳۷۱ش.
- فرهنگ معین، محمد معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ششم، ۱۳۶۳ش.
- الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: محمد بن محمد الحسین القائینی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، اول، ۱۴۱۸ق/ ۱۳۷۶ش.
- فقه المرأة المسائل الحرجة للمرأة، محمد مهدی شمس الدین، بیروت: المؤسسة الدولية للدراسات والنشر، ۱۹۹۴م.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: نشر هجرت، اول، ۱۴۰۹ق.
- کتاب فیہ معنی الزهد والمقالات وصفة الزاهدین، احمد بن محمد بن محمد ابی سعید اعرابی، تحقیق: خدیجه محمد کامل، مصر: دارالکتب و الوثائق القومیه (مركز تحقیق التراث)، بی تا.
- کنز العمال، علاء الدین علی متقی بن حسام الدین متقی هندی، تفسیر: بکری حیانی، تصحیح: صفوة السقاء، بیروت: مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
- گزیده کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: محمد باقر بهبودی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۶۳ش.
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران: سیروس، ۱۴۳۱ش.
- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
- مجموعه ورام: آداب و اخلاق در اسلام، ورام بن ابی فراس، ترجمه: محمد رضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۶۹ش.
- المحاسن، محمد بن احمد بن خالد برقی، تحقیق: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ق.
- المرأة المسلمة بین تحریر القرآن وتقیید الفقهاء، جمال البناء، قاهره: دار الفکر الإسلامی،

- ۱۴۱۹ق.
- مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، اول، ۱۴۰۸ق.
- المستدرک علی الصحیحین، ابی عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نيسابوری، تحقیق: محمد بن عمر علوش، بیروت: دارالمعرفة، اول، ۱۹۹۸م.
- مسند ابن الجعد، علی بن جعد، تحقیق: عامر احمد حيدر، بیروت: مؤسسة نادر، اول، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.
- مسند أبی یعلی، احمد بن علی بن مثنی، تحقیق: ظهير الدين عبد الرحمن، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۲م.
- مسند الإمام أحمد بن حنبل، احمد بن حنبل، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م.
- مسند الحمیدی، عبد الله بن زبير حمیدی، تحقیق: حبيب الرحمن العظمی، اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۸م.
- مسند الشاميين، ابی القاسم سليمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبد المجید سلفی، بیروت: مؤسسة الرساله، دوم، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.
- مسند الشهاب، محمد بن سلامه، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت: مؤسسة الرساله، اول، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
- المصنف، عبد الرزاق بن همام صنعانی، تحقیق: نظير الساعدي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
- المصنف، عبد الله بن محمد ابن ابی شيبه، تحقیق: سعيد اللحام، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
- المعجم الأوسط، ابی القاسم سليمان بن احمد طبرانی، تحقیق: قسم التحقیق بدار الحرمین، بی جا، دار الحرمین، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۵م.
- المعجم الكبير، ابی القاسم سليمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبد المجید سلفی، بی جا، دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۳م.
- معجم مقاییس اللغة، ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مكتبة الأعلام الإسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
- مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق: صفوان عدنان داوی،

بیروت: دار الشامیه، اول، ۱۴۱۲ق.

- مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم: انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ق.  
- المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم،  
۱۴۱۷ق.

- هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة، محمد بن حسن حر عاملی، مشهد: بنیاد پژوهش های  
اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۴۱۴ق.